

کودش بزرگ

پادشاهی که از نو باید شناخت

که بود؛ از کجا آمد

تهیه و تدوین: ح. واقف

ولقب، حسن، ۱۳۳۱ -

گوروش بزرگ: پادشاهی که از تو باید شناخت که بود، از کجا آمد / تهیه و تدوین، ح. ولقب - تهران: پرستانه ۱۳۸۵ [۲۹] ص. تصویر.

ISBN 964-8079-83-8

فهرست‌نویس بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. گوروش هخامنشی، شاه ایران، - ۵۲۹ ق.م. ۲. ایران - تاریخ -
هخامنشیان ۵۵۸-۳۳۰ ق.م. الفه عنوان.
DSR ۱۳۶۱ و ۲۸۷

۹۵۵/۱۵۰۹۲



انتشارات پیام آبادانا



گوروش بزرگ

پادشاهی که از تو باید شناخت
که بود از کجا آمد

تهیه و تدوین: ح. ولقب

طرح جلد: سمید زاشکانی

ویراستار: خسرو احمدزاده

حروفچینی و صفحه‌آرایی: ه. سوری

ناظر چاپ: نیما ولقب

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

چاپ اول: ۱۳۸۵

لیتوگرافی و چاپ: نقره‌آبی

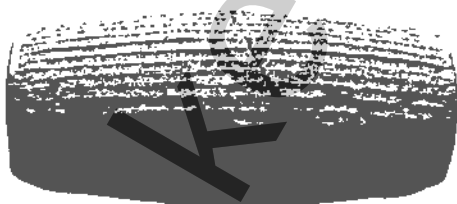
شابک: ۸-۸۳-۸۰۷۹-۹۶۴

کلیه حقوق چاپ و تجدید نشر برای مولف محفوظ است.

این کتاب با همکاری انتشارات پیام آبادانا به چاپ رسیده است.

مرکز پخش: خیابان انقلاب / بین ولیعصر و صبا / پلاک ۱۱۶۴ / انتشارات پیام آبادانا

تلفن: ۶۶۴ ۰۳۲ ۹۲ همدان: ۰۹۱۲-۲۰۲۰۱۹۳



فرمان کوروش بزرگ

نوشته‌ای که به زبان بابلی نو، روی استوانه گلی در سالهای آخر قرن نوزدهم کشف شده و متضمن فرمان کوروش بزرگ هخامنشی هنگام تسخیر شهر بابل است کهن‌ترین سند کتبی از دیکستری و مراعات حقوق بشر در تاریخ ایران و مایه سراقازی ایرانیان است.

با تقدیم به :

همسر مهربانم

و

فرزندان دلبندم ماندانا و نیما

www.ketab.ir



اینک با دست‌هایی به سوی تو بلند کرده،
درخواست می‌کنم که نمازگزار تو باشم و تو را به روش
آشه «حق، نظم درست» با منش نیک «و هومنه»
ستایش کنم.

گاتاها ۲۸/۱

تو خود بنگر ای اهورا، یاری گن مرا، همان
یاری‌یی که دوستی از دوستش دریغ نمی‌کند.

گاتاها ۴۶/۲

این را از تو می‌پرسم، درست به من بگو ای اهورا
درباره نماز، آن چنان نمازی که از برای مانند شماس است ای
مَزدا که کسی مانند تو به دوستی چون من باید آن را
بیاموزد.

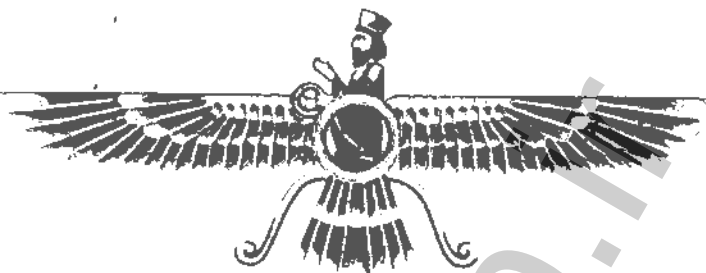
گاتاها ۴۴/۱



سوگندنامه کوروش

منم کوروش، شاه جهان، شاه بزرگ، شاه نیرومند، شاه بابل، شاه سرزمین سومر و «اکد»، شاه «چهارگوشه» (جهان)، پسر کمبوجیه شاه بزرگ شاه انشان، نواده کوروش شاه بزرگ شاه انشان، از تخمه چیش پیش شاه بزرگ شاه انشان، از دودمان سلطنتی جاویدان که «بعل و نبو» فرمانروائی آنان را گرامی می‌دارند و سلطنت آنان را به جان و دل خواستارند. هنگامی که من با آرامش به بابل در آمدم با سرور و شادمانی کاخ شاهی را جایگاه فرمانروائی قرار دادم. مردوک خدای بزرگ مردم گشاده دل بابل را بر آن داشت تا مرا...

من هر روز به ستایش او همت گماشتم، سپاه بی‌شمار من بی‌مزاحمت در میان شهر بابل حرکت کرد. من به هیچ کس اجازه ندادم که سرزمین «سومر» و «اکد» را دچار هراس کند. من نیازمندی‌های بابل و همه پرستش‌گاه‌های آن را در نظر گرفتم و در بهبود وضعیتشان کوشیدم. من یوغ ناپسند مردم بابل... را برداشتم. خانه‌های ویران آنان را آباد کردم. من به بدبختی‌های آنان پایان بخشیدم. مردوک خدای بزرگ از کردارم خشنود شد و به من «کوروش شاه» که او را ستایش کردم و به کمبوجیه فرزندم که از تبار من است و به تمام سپاه من برکت ارزانی داشت و از صمیم قلب مقام شامخ او را بسی ستودم. تمام شاهانی که در بارگاه‌های خود بر تخت نشسته‌اند، در



سراسر چهارگوشه جهان از دریای زیرین تا دریای زبرین کسانی که در...
مسکن داشتند، تمام شاهان سرزمین باختر که در خیمه‌ها مسکن داشتند مرا
خراج گران آوردند، و در بابل بر پایم بوسه زدند.

ازاقصی نقاط تا شهرهای «آشور» و «شوش» و «آگاده» و «اشنونا»
و شهرهای «زصبان» و «موربو» و «در» تا ناحیه سرزمین «گوتیوم»،
شهرهای مقدس آن سوی دجله را که مدتی دراز پرستشگاه‌هایشان دستخوش
ویرانی بود تعمیر نمودم و پیکره‌خدایانی را که جایگاه آنها در میان آنان بود
به جای خودشان باز گرداندم و در منزلگاهی پایدار جای دادم.

من همه ساکنان آنها را گرد آوردم و خانه‌هایشان را به آنان باز پس
دادم. خدایان سومر و اکد که «نبونید» آنها را به بابل آورده و خدای خدایان را
خشمناک ساخته بود، من به خواست «مردوک» خدای بزرگ به صلح و صفا
به جایگاه پسندیده خودشان باز گرداندم.

باشد که تمام خدایانی که من در پرستشگاه‌هایشان جای داده‌ام
روزانه مرا در پیشگاه «بعل» و «نبو» دعا کنند.

باشد که زندگانی من دراز گردد.

باشد که به مردوک خدای بزرگ بگویند کوروش پادشاه که تو را
گرامی می‌دارد و فرزندش کمبوجیه... باشد...



فرمان کوروش بزرگ

نوشته‌ای که به زبان بابلی نو، روی استوانه گلی در سالهای آخر قرن نوزدهم کشف شده و متضمن فرمان کوروش بزرگ هنگام تسخیر شهر بابل است کهن‌ترین سند کتبی از دادگستری و مراعات حقوق بشر در تاریخ ایران و مایه سرافرازی ایرانیان است.

در ایران باستان حدود ۲۶۰۰ سال پیش منشور پادشاهی کوروش بزرگ نوید و تضمین آزادی انسانها و حقوق بشر را اعلام نمود و داریوش بزرگ حدود ۲۵۰۰ سال پیش تأمین اجتماعی و دستمزد کارگران و برابری حقوق زن و مرد و دیگر قوانین و اصول و مبانی اخلاقی را ارائه و اجرا کرد.

اینک که به یاری مزدا تاج سلطنت ایران، بابل و کشورهای چهارگانه را بر سر گذاشته‌ام اعلام می‌کنم که،

- تا روزی که زنده هستم و مزدا پادشاهی را به من ارمغان می‌کند کیش و آیین و بلورهای مردمانی را که من پادشاه آنها هستم گرامی بدارم و نگذارم که فرمانفرمایان و زیردستان من کیش و آیین و دین و روش مردمان دیگر را پست بدانند و یا آنها را بیازارند



- من اعلام می‌کنم که هرکس آزاد است هر دین و آئینی را که میل دارد برگزیند و در هر جا که می‌خواهد سکونت نماید و به هر گونه که معتقد است عبادت خود را بجا آورد و هر کسب و کاری را که می‌خواهد انتخاب نماید، تنها به شرطی که حق کسی را پایمال ننماید و زبانی به حقوق دیگران وارد نسازد.
- من که امروز افسر پادشاهی را به سر نهاده‌ام، تا روزی که زنده هستم و مزدا پادشاهی را به من ارزانی کرده هرگز فرمانروایی خود را بر هیچ مردمانی به زور تحمیل نکنم و در پادشاهی من هر ملیتی آزاد است که مرا به شاهی خود بپذیرد یا نپذیرد.
- من پادشاه ایران و بابل و کشورهای رابعه هستم و نخواهم گذاشت کسی به دیگری ستم کند و اگر کسی ناتوان بود و بر او ستمی رفت من از وی دفاع خواهم کرد و حق او را گرفته و به او پس خواهم داد و ستمکاران را به کیفر خواهم رساند.
- من تا روزی که پادشاه هستم نخواهم گذاشت کسی مال و اموال دیگری را با زور و یا هر روش نادرست دیگری از او بدون پرداخت ارزش واقعی بگیرد.
- من تا روزی که زنده هستم نخواهم گذاشت کسی، کسی را به بیگاری بگیرد و به او مزد نپردازد.



- من اعلام می‌کنم هر کس پاسخگوی اعمال خود می‌باشد هیچ کس را نباید به انگیزه اینکه یکی از بستگانش خلاف کرده است مجازات کرد و اگر کسی از دودمان یا خانوادهای خلاف کرد، تنها همان کس به کیفر برسد و با دیگر مردمان و خانواده کاری نیست.
- تا روزی که من زنده هستم نخواهم گذاشت مردمان و زنان را بنام برده و کنیز و به نام‌های دیگر بفروشند و این رسم زندگی باید از گیتی رخت ببرند.
- از مرزدا می‌خواهم که مرا در تعهداتی که نسبت به ملت‌های ایران و ممالک چهارگانه کرده‌ام پیروز گردانند.

فهرست مطالب

پیشگفتار	۱۳
مقدمه	۱۷
تاریخ چیست؟	۲۲
آغاز قدرت‌نمایی ایران و سلطنت ماد	۲۳
فصل اول: تعبیر خواب‌های وحشتناک آستیاک	۳۳
فصل دوم: دستور قتل نوزاد توسط آستیاک	۳۷
فصل سوم: آگاه شدن آستیاک از زنده بودن کوروش	۴۳
فصل چهارم: تعلیم و تربیت کوروش و ماندانا	۴۹
فصل پنجم: کوروش در سن دوازده‌سالگی	۵۵
فصل ششم: بازگشت ماندانا به پارس و ماندن کوروش در ماد	۶۳
فصل هفتم: مهارت کوروش در امر شکار	۶۷
فصل هشتم: مبارزه کوروش با پسر پادشاه آشور	۷۵
فصل نهم: احضار کردن کوروش از پارس به ماد	۸۱
فصل دهم: مذاکره کوروش با هوخشتره برای آرایش جنگی	۸۷
فصل یازدهم: احضار کوروش جهت مذاکره با سفیر هندوستان	۹۷
فصل دوازدهم: قضاوت کوروش نسبت به ارمنی‌ها	۱۰۷

- فصل سیزدهم: صلح دادن ارمنی‌ها و کلدانی‌ها توسط کوروش ۱۲۱
- فصل چهاردهم: مغلوب شدن آشوری‌ها توسط کوروش ۱۳۳
- فصل پانزدهم: فرار آشوری‌ها و تارومار شدن آنها توسط کوروش ۱۴۳
- فصل شانزدهم: آماده شدن سپاه کروزس برای مقابله با کوروش ۱۵۹
- فصل هفدهم: تعلیمات رزمی کوروش به سپاه خود برای جنگ با کروزس ۱۷۵
- فصل هیجدهم: به دست آوردن اطلاعات جنگی دشمن توسط آراسپا و ... ۱۸۳
- فصل نوزدهم: مغلوب شدن کروزس توسط کوروش ۱۹۵
- فصل بیستم: هجوم کوروش به شهر سارد و فتح آن ۲۱۱
- فصل بیست و یکم: اعزام آدوزیوس جهت سرکوبی کاریها ۲۲۱
- فصل بیست و دوم: محاصره شهر بابل توسط کوروش ۲۲۹
- فصل بیست و سوم: سر و سامان دادن شهر توسط کوروش ۲۴۱
- فصل بیست و چهارم: برپایی جشن باشکوه توسط کوروش ۲۵۱
- فصل بیست و پنجم: حرکت کوروش به سمت ایران و ملاقات با هوخستره ۲۶۱
- فصل بیست و ششم: تشکیل لشکری عظیم از ملل تابعه به فرمان کوروش ۲۶۷
- فصل بیست و هفتم: بازگشت کوروش به پارس به همراه پسران خود .. ۲۷۳
- برخی گفته‌ها درباره کوروش بزرگ ۲۷۹
- مذهب کوروش ۲۹۶

به نام آفریدگار آفریدگان و آغازگر هستی

پیشگفتار

منشور کوروش هخامنشی، کهن ترین بیانیه حقوق بشر جهان شناخته شده، مایه سربلندی ایرانیان، سندی ماندگار از گذشته ای سرافرازانه، بازگو کننده رفتار نیک و اندیشه های والای کوروش بزرگ پادشاه نیرومندترین کشور آن روز جهان می باشد.

بر ماست که باورها و هویت ملی و تاریخی خود را به فراموشی نسپاریم.

نسل جوان امروز ما با مشاهده این کتاب می تواند درک کند که واقعاً تاریخ ایران جلوه گاه جانبازی مردمانی سلحشور بوده است که برای جاویدان زیستن این سرزمین مقدس خاک آن را با شهادت و دادن خون خود رنگین نموده اند.

آن مردمان، عاشقان آزادی و آزادگی و شیفتگان افتخار و سربلندی ایران زمین بوده اند و مادر گذرگاه تاریخ کهن ایران از این قبیل قهرمانان که با ایثار خون خود نهال ملیت و حریت و عشق را برومند ساخته اند، بسیار دیده ایم.

این مبارزات قهرمان و این جانبازی‌های عاشقان این مرز و بوم برای آن بوده است تا ایران و ایرانی از هویت خدایی خود و شرف خود و فضیلت نیکان خویش جدا نگردد و آنچه از گذشتگان دریافت داشته و از هم‌نسلان ایشان را که خود دریافت می‌دارد، هرچه باشکوه‌تر و با جلوه‌ای بیشتر و عالی‌تر به آیندگان تحویل دهد.

خوشبختانه تاریخ ایران مردان نامی و بزرگی که همواره سرمشق و سرلوحه مردانگی و شجاعت و دلیری و مقاومت در تمام دوران کم نداشته است، به طوری که در تاریخ ملل دیگر هم اسمی از آنها برده شده است. اگر به تاریخ ۲۵۰۰ ساله گذشته نظری بیافکنیم، سرسته این مردان بزرگ را که بنیان‌گذار سرزمین ایران کهن است یعنی کوروش بزرگ را به خوبی خواهیم دید.

خصایل و کردار و گفتار این مرد بزرگ تاریخ در ۲۵ قرن گذشته که متکی به نیرو و اراده خداوند قادر توانا بود و در آن زمان بت پرستی و خدایان سنگی و چوبی پرستی او بود که همیشه از نیروی لایزال آفریننده کائنات خداوند یکتا کمک می‌طلبید.

کوروش در دوران کشورگشایی خود چون متکی به خداوند قادر و توانا بود هرگز از حریفان مغلوب نشده هراسی در دل راه نمی‌داد، آنها را با عزت و احترام تا پایان عمر تقرب می‌داد و به سخنان پندآمیزشان گوش می‌کرد و اگر به صلاح مملکت خویش می‌دانست آنها را به اجرا درمی‌آورد.

با نگاهی عمیق و ژرف به متن کتاب حاضر بخصوص در قسمت‌های وصیت‌نامه کوروش بزرگ ملاحظه خواهیم کرد که درس آزادی و آزادی‌ستن را به سرتاسر کشورهای آن روز آموخت، کوروش با فتح بابل، بزرگترین کشور آن روزگار، بر خلاف مرسوم زمان که حریفان و پادشاهان مغلوب را به جلاد و دژخیم می‌سپردند تا مبادا دوباره بر علیه او قیام کنند، با آنها که ملل مغلوب و به اصطلاح شکست خورده بودند به مهربانی و عطف رفتار می‌کرد، به آنها پناه می‌داد، با حریف مغلوب با محبت و احترام شایسته شغل گذشته او رفتار می‌کرد.

چنانچه هرودوت این مورخ شهیر نوشته: «وقتی کوروش بزرگ بابل را فتح کرد با پادشاه آن چون پدر بزرگ خود رفتار کرد و تازنده بودن نزد خود نگاهش داشت».

کوروش تمدن مشرقی آن روز به طوری برای کشورش ایران به ارمغان آورده بود، که وقتی اسکندر مقدونی از بد حادثه ایران را فتح کرد، وقتی اسکندر به کاخ کوروش وارد و تمدن آثار به جاری مانده فرهنگی را دید، گفت: «... این است ایران که وصف آن را شنیده بودم، بزرگان یونان از ایران همه این صفات و رفتار را تقلید کنند...»

اسکندر هنگامی که دید حتی کودکان ایرانی ممکن نیست دست نشسته غذا بخورند، هر چه هم که گرسنه و خسته باشند اول دست خود را می‌شویند، از پدر و مادر اجازه می‌گیرند و آنگاه بر صندلی نشسته بر میز تکیه زده و غذا تناول می‌کنند، از آن همه تمدن پیشرفته مبهوت شد.

او بود که به سرداران و معلمان آن روز نصیحت می کرد:

«... از دست بردن به غذای یکدیگر پرهیز کنید...»

«... از خنده و شوخی نابخردانه در مجالس پرهیزید...»

«... در دوستی و وفاداری پایدار باشید...»

«... از نگاه کردن به زنان و دختران همسایه پرهیز کنید...»

«... پرهیز از دروغ گفتن و لخت بودن قسمتی از بدن، خداوند یکتا

مردم پرهیزکار و عفیف و باحیا را دوست دارد و موفق می نماید...»

«رعایت فوق العاده احترام به پدر و مادر و برادر و خواهر بزرگتر، و

برپاداشتن جشن تولد...»

ماحصل کلام اینکه نسل امروز ما بداند که این کشور پهناور که

هم اکنون با سربلندی بر روی آن زندگی می کنیم و از مانده های خداوندی

که پیوسته از روز خلقت منت بر آن گذاشته و فراوانی نعمت به آن

عرضه داشته، روزگاری مهد تمدن دنیا بوده و پیوسته مردانی در این کشور

پا به عرصه ظهور گذاشته اند که تاریخ عالم به آنها مباهات می کند.

حسن واقف

مقدمه

ستایش و نیایش به پیشگاه دادار هستی بخش، خداوند
یکتا و بی همتا و پروردگار دانا و توانا.
سپاس و درود بر همه نیکمردان و نیکزنان سراسر گیتی
که در راه راستی و درستی، دین و دانش گام برداشته و جهانیان را
به شاهراه راستی و درستی رهنمون شده و می شوند.
راه فراز و فرودی که این سرزمین کهن سال (ایران) و
مردم آن در روزگارانی بس دراز پیموده و با همه شکست ها
و ناکامی ها و پیروزی ها و کامیابی ها روبه رو شده و پس از
گذشت هزاران سال هنوز چون کوهی پاینده و استوار پابرجا
مانده است، در حالی که کشورهای بزرگ چون: سومر، اکد،
آشور، بابل و... روبه نیستی و نابودی گذاشته و اکنون از آن ها
نشانی نیست.

روزگارانی که مردم کشورهای جهان بت هایی چون: بعل
- ویشنو - شنیتو - لات - منات - عزی - هُبل و... را

می پرستیدند، ایرانیان فرزانه خداپرست بوده و هیچ گاه دنبال بت و دست سازهای انسانی نرفته‌اند و با نام اهورا مزدا کارهای خود را آغاز نموده و به انجام می‌رسانیدند.

در روزگارانی که هیچ یک از کشورهای به اصطلاح متمدن آن روز از خواندن و نوشتن هیچ گونه آگاهی نداشتند، مردم خردمند و هوشیار ایران زمین از هزاران سال (بیش از ۱۰/۰۰۰ سال) به درست کردن کاغذهایی به نام توز و پَرشُمَن پی برده و از آن‌ها برای نوشتن کتاب و چیزهای دیگر سود می‌جستند (کتاب شیت‌ها که در مرز بیش از ۱۰/۰۰۰ سال نوشته شده از یادگار همان کاغذهای ساخت ایرانیان است.

ایرانیان که خود از دانش و بینش والایی برخوردار بودند همه مردمان کشورهای دیگر را از آبشخور دانش و فرهنگ خود سیراب می‌کردند، چنان که از دانش مغان فرزانه ایران بود که دانشمندی بزرگ در یونان و کشورهای دیگر چون: افلاتون - ارسطو و دیگر دانشمندان از برکت دانش مغان ایران پدیدار گشتند و خودنمایی نمودند.

افسوس که پس از فروپاشی هخامنشیان، کتابخانه‌های ایران به دست اسکندر گجسته سوزانده و نابود شد و اسکندر

دستور داد همه کتاب‌های: پزشکی - اخترشناسی - داروشناسی و دیگر کتاب‌های پرجای ایرانیان را به یونان برده و در آن جا به زبان یونانی پچواک شده و از آن کتاب‌ها بود که دانشمندان بزرگ در یونان پدیدار شدند و این دانش‌های ایرانیان را به خودشان نسبت دادند و خوشبختانه باگذشت زمان یافته‌هایی که به وسیله کاوشگران و ایران‌شناسان پیدا می‌شود، آبروی آن‌ها بیشتر زیر پرش می‌رود و نام ایرانیان برجسته‌تر می‌گردد.

ایرانیان در ۳۵۰۰ سال پیش به ساختن پیل الکتریکی دست یافته بودند که به وسیله آن‌ها ضبط صوت ساخته بودند و باز به وسیله همین پیل‌ها بود که باردان‌های گوناگون را آبکاری می‌کردند و همین ایرانیان بودند که در چندین هزار سال پیش به بافتن قال و قالیچه‌های گرانبها دست یازیدند (فرش پازیریک ۳۰۰۰ ساله که در روسیه پیدا شده گواهی درست بر این جستار است).

ایرانیان در ۸۵۰۰ سال پیش به جراحی شکم زنان و درآوردن بچه دست زدند و به خوبی در این کار پیروزی چشم‌گیری به دست آوردند (شکافتن پهلوی رودابه مادر رستم و

بیرون آوردن بچه از آن جمله است.

مغان ایران در ۱۰/۰۰۰ سال پیش جبر و مقابله را به خوبی آموخته بودند و به دانش آموزان آموزش می دادند. زرتشت به وسیله همین ریاضیات بود که رصدخانه سیستان (نیمروز) را ساخت و توانست هفت ستاره را در آن زمان رصد کند و نام آن هفت ستاره را بر روی روزهای هفته بگذارد. شیشه سازی - سفال سازی - فلزکاری و سدها هنر که از ایرانیان پدیدار شده است.

سنگ نبشته هایی که از تخت جمشید و دیگر جاهای ایران به دست آمده، شاهان هخامنشی خود را خداشناس شناسانده و در هر سنگ نبشته ای با نام اهورا مزدا گفته خود را آغاز کرده اند.

کوتاه سخن آن که همه دانش - فرهنگ - اخلاق - ادبیات - هنر همه و همه از ایرانیان است که به کشورهای اروپایی رفته و از آن جا به دیگر کشورها گذار نموده اند.

ایرانیان همانگونه که در پیش گفته شد کتاب مشیت ها را نوشتند که بیشتر این کتاب به شعر است و این جستار را می توان در کتاب (هشت هزار سال شعر پارسی نوشته دکتر رکن الدین

همایونفر) یافت. گداز فلزات برای نخستین بار از ایرانیان است که دست کم ۷۰۰۰ سال پیش کوره ذوب فلزات داشتند و سوای آهن همه فلزات را ذوب می کردند و ابزار می ساختند (هفت هزار سال فلزکاری در ایران، نوشته دکتر محمدتقی احسان).

یادآوری می شود که همه جستارها و ادعاهای بالا در کتاب (تاریخ تمدن و فرهنگ ایران، نوشته دکتر عبدالعظیم رضایی) آورده شده است.

پیشکش به مردم فرهیخته ایران
استاد عبدالعظیم رضایی